



آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

euro news.

## بازخوانی لو رفتن حمله اسرائیل به ایران

همزمان با انتشار اخبار و گزارش‌هایی در مورد درز اطلاعات فوق‌محرمانه از برنامه‌ریزی و تدارکات ارتش اسرائیل برای انجام حمله تلافی‌جویانه به ایران، بازخوانی تاریخ نشان می‌دهد که ۱۲ سال پیش نیز طرح حمله اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران در دوران حضور دموکرات‌ها در کاخ سفید فاش شد. ۲۹ ماه مارس سال ۲۰۱۲ (۱۰ فروردین ۱۳۹۱) نشریه آمریکایی فارن‌پالیسی به نقل از مقام‌های آگاه آمریکایی فاش کرد که اسرائیل با همسایه شمالی ایران یعنی جمهوری آذربایجان به توافق رسیده تا با استفاده از پایگاه‌های هوایی این کشور، حملات هوایی خود را علیه تأسیسات هسته‌ای ایران انجام دهد. یک افسر اطلاعاتی آمریکایی به این نشریه گفته بود: «ما از نزدیک در حال رصد اقدامات ایران هستیم... اما از مشاهده تحرکات اسرائیل در آذربایجان خوشحال نیستیم.» همزمان، رسانه آمریکایی بلومبرگ گزارش‌کنگره ایالات متحده در مورد حمله اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران را فاش کرد که در آن نوشته شده بود، با توجه به پراکندگی تأسیسات هسته‌ای ایران مشخص نیست که اثر نهایی این حمله چه خواهد بود. همچنین، یک مقام آگاه آمریکایی به این رسانه گفته بود که حمله اسرائیل حداکثر می‌تواند برنامه هسته‌ای ایران را ۶ ماه به عقب بیاورد. این گزارش‌ها یک هفته پس از آن منتشر شد که دیگر نشریه نزدیک به دموکرات‌ها یعنی نیویورک‌تایمز یک گزارش طبقه‌بندی‌شده را در مورد تبعات حمله اسرائیل به ایران در داد. در این گزارش، پیش‌بینی شده بود که حمله اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران می‌تواند به آغاز جنگ منطقه‌ای گسترده‌تر منجر شود؛ جنگی که موجب کشته شدن صدها تن از نیروهای آمریکایی خواهد شد. تحلیلگران اسرائیلی بلافاصله پس از انتشار این گزارش‌های افشاگرانه، دولت باراک اوباما، رئیس‌جمهوری وقت ایالات متحده را به دست داشتن در این افشاگری متهم کردند. به باور آنها دولت وقت در تلاش بود تا اسرائیل را برای انصراف از حمله به ایران تحت فشار قرار دهد و در طرف مقابل نیز در مذاکرات هسته‌ای پیش‌رو ایران را وادار به مصالحه کند. به عنوان نمونه، پوئل گوزانسکی، تحلیلگر مؤسسه مطالعات امنیت ملی، به ای‌بی‌سی نیوز گفت: «به نظر می‌رسد یک کارزار بزرگ برای جلوگیری از حمله اسرائیل به راه افتاده است. من فکر می‌کنم دولت [اوباما] واقعاً نگران است که اورشلیم به زودی به ایران حمله کند.» بن‌یشتای، مفسر قدیمی دفاعی در روزنامه عبری دیدیوت احرانوت چاپ تل‌آویو، با انتشار ستونی با عنوان «اوباما به اسرائیل خیانت می‌کند» این افشاگری‌ها را «یک کارزار تخریبی هدفمند» علیه برنامه نظامی اسرائیل عنوان کرد. او سپس به کنایه خطاب به دولت آمریکا نوشته بود که منتظر باشید تا تحریم‌های رژیم ایران را به زانو درآورد. اما همان زمان هم الکس فیشرمن، تحلیلگر نظامی اسرائیلی در گفت‌وگویی اعلام کرد که هدف از انتشار این گزارش‌ها این است که هم اسرائیل و هم ایران تحت فشار قرار گیرند. به باور او هدف آمریکا این بود که به ایرانی‌ها نشان دهد که چه چیزی در حال وقوع است تا آنها را در آستانه آغاز مذاکرات هسته‌ای نگران‌تر و عصبی‌تر و در مذاکرات در موضع ضعف قرار دهد. ولی جان پلوتون، سفیر سابق آمریکا در سازمان ملل متحد، در مصاحبه با رسانه‌های اسرائیلی گفته بود: «کاخ سفید عمداً افشای تانکی اسرائیل را از بین برده است.» مت بروکس، مدیر اجرایی ائتلاف یهودیان جمهوری خواه نیز آن زمان اعلام کرد: «از گزارش‌های مطبوعاتی اخیر به وضوح مشخص است که دولت اوباما از دیپلماسی آرام به حملات پنهانی در رسانه‌ها روی آورده است تا از اقدام اسرائیلی‌ها علیه ظرفیت‌های رویه‌رشد هسته‌ای ایران جلوگیری کند.» در مقابل، دولت باراک اوباما هرگونه دست داشتن در افشای اطلاعات را رد کرد و اعلام کرد که کاخ سفید قویاً این افشاگری‌ها را محکوم می‌کند و در صورت مشخص شدن عامل آن حتماً از تحت تعقیب قرار گرفتن آن استقبال می‌کند. دنیس راس، دیپلمات سابقه‌آمیزی که دارای گرایش حزبی دموکرات است، آن زمان به نیویورک‌پست گفته بود که او تردید دارد که «دولت کمپین افشاگری را سازمان‌دهی کرده باشد» ولی به برخی مخالفان حمله اسرائیل مشکوک است. هر چند، پوئل گوزانسکی، تحلیلگر مؤسسه مطالعات امنیت ملی، در آن روزها این نظریه که آذربایجان به عنوان پایگاهی برای عملیات احتمالی اسرائیل علیه ایران مورد استفاده قرار گیرد، غیرمنطقی و بسیار نامتیک دانسته بود.

علی‌امینی وزیر دارایی و هوارد پیچ نماینده کنسرسیوم قرارداد را امضا کردند.



## قرارداد کنسرسیوم که ملی شدن صنعت نفت ایران را به محاق برد

# بر باد رفته

کنسرسیوم یا در مورد آینده، یعنی برای دوره بعد از تاریخ توافق عمومی، خسارتی مطالبه نخواهد شد. در چنین حالتی، مشکل دعوی متقابل برای ضرر و زیان تا تاریخ لازم‌الاجرا شدن قرارداد کنسرسیوم حل می‌شود. دولت بریتانیا مایل است به دولت ایران اطمینان دهد که آنچه مورد نظر است از نظر مبلغ و مدت پرداخت معقول خواهد بود تا از بار زائد بر اقتصاد ایران جلوگیری شود. اصل غرامت عادلانه مورد حمایت دولت اعلیحضرت، دولت ایالات متحده و کلیه اعضای کنسرسیوم است و قابل درک است که دولت ایران نیز با آن موافقت کرده است.

۵. هر دو دولت معتقدند که باید تمام تلاش ممکن برای دستیابی به راه‌حلی سریع، صحیح و بادوام انجام شود. بنابراین، اگرچه ممکن است چندین روش جایگزین برای دستیابی به توافق انتخاب شود، اما آنها پیشنهاد می‌کنند که یک مسیر معقول، که نیاز به رویه طولانی و مشاخره‌آمیز بررسی دقیق دعوی و دعوی متقابل را مرتفع می‌سازد، برای دولت بریتانیا و دولت ایران بر سر یک توافق است. مبلغی که باید به شرکتی پرداخت شود یک بار برای همیشه این موضوع را برطرف کند.

۶. موضوع دومی که پیشنهاد می‌شود به طور جداگانه به آن پرداخته شود، ترتیبات پرداختی است که استفاده از استرلینگ را در ایران پوشش می‌دهد، که نمایندگان کنسرسیوم آن ارز را پیشنهاد می‌کنند که در صورت توافق، اعضا به دولت ایران پرداخت کنند.»

### مذاکرات دولت ایران و کنسرسیوم

علی‌امینی وزیر دارایی دولت زاهدی که در دولت مصدق نیز وزارت دارایی را عهده‌دار بود از سوی ایران به مذاکره با نماینده کنسرسیوم مامور شد و نتیجه مذاکرات او با نماینده کنسرسیوم هوارد پیچ آمریکایی یک قرارداد بین‌المللی کنسرسیوم نفتی ۲۵ ساله بود که ۵۰ درصد مالکیت منابع نفتی ایران را بین شرکت‌های خارجی تقسیم کرد. ۴۰ درصد به طور مساوی (هر کدام ۸ درصد) بین پنج شرکت بزرگ آمریکایی تقسیم شد، بریتیش پترولیوم ۴۰ درصد سهم داشت، رویال داچ شل شرکت هلندی-انگلیسی ۱۴ درصد کسب کرد و یک شرکت فرانسوی، ۶ درصد از منابع را دریافت کرد. یک سال بعد، دولت ایالات متحده به ۵ شرکت آمریکایی دستور داد که هر کدام ۱ درصد از ۸ درصد سهم خود را به چندین شرکت کوچکتر منتقل کنند، زیرا این شرکت‌ها شکایت کرده بودند که آنها کنار گذاشته شده‌اند. این توافقنامه

بدون فروش نفت که مهمترین منبع درآمدی آن محسوب می‌شد در شرایط دشواری قرار گرفت. دولت بریتانیا یک سری تحریم‌های اقتصادی علیه ایران وضع کرده بود که صادرات کالاهای کلیدی به ایران را ممنوع می‌کرد. بایکوت بریتانیا به نحوی ویرانگر مؤثر شده بود و ایرانیان روز به روز فقیرتر و ناخشنودتر می‌شدند. در عرصه داخلی نیز با انشقاق احزاب و نیروهای تشکیل‌دهنده جبهه ملی و توطئه‌های دربار و انگلیس شرایط برای مصدق سخت‌تر و نهایت این اقدامات به کودتای آمریکایی-انگلیسی ۲۸ مرداد منجر شد. کودتای ۲۸ مرداد که در اسناد سازمان سیا با عنوان عملیات آژاکس از آن یاد شده است با فرماندهی کریمت روزولت نوه رئیس‌جمهور پیشین آمریکا صورت گرفت و همین امر نیز زمینه‌های شدت‌تأثیر آمریکا نیز سهم مهمی از نفت ایران کسب کند. یک سال پس از سرنگونی نخست‌وزیر محمد مصدق توسط ایالات متحده و بریتانیا در کودتای ۲۸ مرداد، دولت‌های انگلیس و آمریکا فشار بر شاه ایران را برای مذاکره با بریتانیا بر سر مالکیت شرکت نفت ایران و انگلیس آغاز کردند.

بیابانه‌مشرکی از سوی انگلیس و آمریکا منتشر شد که اظهار می‌داشت: «۱۰۱ اکنون کنسرسیومی به طور موقت تشکیل شده و آماده است تا با دولت ایران در مورد از سرگیری فعالیت صنعت نفت خود گفت‌وگو کند. این گروه متشکل از موارد زیر است: جرسی استاندارد، ۸ درصد سهم، سوکونی و اکوم، ۸ درصد، استاندارد کالیفرنیا، ۸ درصد، نفت خلیج تگزاس، ۸ درصد، تگزاس، ۸ درصد (در مجموع مشارکت ایالات متحده ۴۰ درصد)، شرکت نفت ایران و انگلیس ۴۰ درصد، رویال داچ شل، ۱۴ درصد و شرکت فرانسوی دس پترولز، ۶ درصد سهم.

۲. سه نفر از نمایندگان کنسرسیوم به محض اعلام آمادگی دولت ایران برای پذیرایی از هیئت، برای مذاکره با دولت عازم تهران خواهند شد. نمایندگان کنسرسیوم آقای هاردن از جرسی استاندارد، آقای استون از شرکت نفت ایران و انگلیس و آقای لودون از رویال داچ شل هستند.

۳. این هیئت به ترتیبات آینده می‌پردازد و برای اینکه وظایف خود را پیچیده نکند، پیشنهاد می‌شود که دو موضوع دیگر مربوط به توافق عمومی برای سهولت به طور جداگانه بین دولت ایران و انگلیس رسیدگی شود.

۴. اولین مورد بحث غرامت برای شرکت نفت ایران و انگلیس است. با فرض اینکه ترتیبات قابل قبولی بین دولت ایران و کنسرسیوم انجام شده باشد، در مورد دارایی‌های مورد استفاده

### قرارداد کنسرسیوم

که در سال ۱۳۳۳

میان ایران و

شرکت‌های خارجی

برای بهره‌برداری از

منابع نفتی ایران بسته

شد، نتیجه کودتای

انگلیسی-آمریکایی

۲۸ مرداد بود و

برخلاف ملی شدن

صنعت نفت باز دیگر

بیگانگان را بر منابع

و ثروت کشور مسلط

کرد. این قرارداد ۲۵

ساله هر چند سهم

پنجاه درصدی برای

ایران قائل شده بود

و نسبت به پیش از

ملی شدن صنعت

نفت پیشرفت بزرگی

بود اما نیم دیگر را به

شرکت‌های خارجی

واگذار کرده بود و

با پذیرش غرامت

هنگفتی به شرکت نفت

ایران و انگلیس که به

مدت ده سال پرداخت

می‌شد همین سهم را

نیز کاسته بود

داود دشتبانی

خبرنگار گروه دیپلماسی



قرارداد کنسرسیوم که در سال ۱۳۳۳ میان ایران و شرکت‌های خارجی برای بهره‌برداری از منابع نفتی ایران بسته شد، نتیجه کودتای انگلیسی-آمریکایی ۲۸ مرداد بود و برخلاف ملی شدن صنعت نفت باز دیگر بیگانگان را بر منابع و ثروت کشور مسلط کرد. این قرارداد ۲۵ ساله هر چند سهم پنجاه درصدی برای ایران قائل شده بود و نسبت به پیش از ملی شدن صنعت نفت پیشرفت بزرگی بود اما نیم دیگر را به شرکت‌های خارجی واگذار کرده بود و با پذیرش غرامت هنگفتی به شرکت نفت ایران و انگلیس که به مدت ده سال پرداخت می‌شد همین سهم را نیز کاسته بود. محمدرضا شاه که تحت سلطنتش را مدیون انگلیس و آمریکا می‌دانست این قرارداد را شرافتمندانه معرفی کرد و فضل‌الله زاهدی رئیس دولت کودتا نیز مدعی شد که دولت کلاه بزرگی بر سر انگلیس و آمریکا گذاشته است. قرارداد کنسرسیوم که در سال ۱۳۵۲ به پایان می‌رسید یک بار با اعتراض ایران در سال بازرگاری شد و با وقوع انقلاب از ۱۳ اسفند ۱۳۵۷ از سوی دولت موقت ملغی اعلام شد و شکایت شرکت‌های عضو کنسرسیوم نیز پس از سال‌ها کشمکش در سال ۱۳۶۹ در دادگاه لاهه رد شد و پرونده این قرارداد برای همیشه بسته شد و دست شرکت‌های خارجی از نفت ایران کوتاه شد.

### ملی شدن نفت ایران و کودتا

نهضت ملی شدن صنعت نفت که به تصویب ماده واحده‌ای در مجلس و تأیید آن در سنا به ثمر نشست، طی دوران نخست‌وزیری محمد مصدق، او برای بهره‌گیری از این حق ملت ایران تلاش کرد. در این مدت دولت محمد مصدق ضمن اخراج نیروهای انگلیسی از تأسیسات نفتی مقابل توطئه‌های بین‌المللی بریتانیا استادگی کرد و در شورای امنیت سازمان ملل و دادگاه لاهه به پیروزی رسید، با این حال مصدق موفق به یافتن متحد بین‌المللی دیگری که در استخراج و فروش نفت به کمک ایران بیاید ناکام ماند. شوروی و آمریکا دو قدرت بزرگ جهانی و حتی کشورهای دیگر اروپایی که می‌توانستند در این امر به یاری ایران بیایند تحت تأثیر فشار و تحریم‌های بریتانیا حاضر به این امر نشدند و دولت ایران